

نویسنده: الیزابت کول

پیش به سوی مهربانی

تصویرگر
تاتیانا کیم

ترجمه
سید نادر آزادصفت



کوپولوی دوست داشتنی!

دوست داری همیشه مهربون باشی؟ مطمئنم همین طوره! اما، مهربون بودن هم خیلی ساده نیست. تا حالا شده که کمی نامهربون باشی؟ فُـب، بزار یه رازی رو بهت بگم؛ همه آدم‌ها یه وقتی نامهربون می‌شن. نگران نباش چون این کتاب می‌تونه بهت کمک کنه. کیک شکلاتی، کیک فنجونی، پیراشکی و نان قندی روش‌های مهربون بودن رو بهت یاد می‌دن. اینا هم خوشمزه هستن و هم همه چیز رو در مورد مهربونی می‌دونن! امیدوارم از خواندن این کتاب لذت ببری و روز به روز مهربون‌تر باشی! نظر تو راجع به این کتاب یه دنیا برام ارزش داره و بوم کمک می‌کنه داستان‌های جالب‌تری براتون بنویسم. آره، ملیسا مابراهای بیشتری در پیش داره! می‌تونی درس بزنی مابرای بعضی چیزها؟ نظر خودت رو برام بفرست، کسی چه می‌دونه، شاید در نوشتن یکی از کتابای آینده بوم کمک کنه. خیلی جالبه مگه نه؟

از اینکه در این سفر اکتشافی شگفت‌انگیز با من همراه هستی خیلی ممنونم. بی‌مهرانه منتظر نظرات شما هستم! می‌تونی نظر خودت رو به آدرس elizabethcole.author@gmail.com ارسال کنی یا به سایت www.ecole-author.com سر بزنی. نظر تو برام خیلی ارزشمند!

با عشق
الیزابت کول





ملیسا دختر کوچولوی مهربان و بامزه‌ای بود.
از همه مهربان‌تر و بامزه‌تر بود.
اما حتی کسی مثل ملیسا هم ممکن است نتواند مهربان باشد و لازم باشد
که خرس کوچولوش مهربان بودن را یادش بیاورد.

روزی، مادرش برای او یک اسباب‌بازی و یک آب‌نبات خرید، اما ملیسا از او تشکر نکرد.
بعد از آن، ملیسا قول داد که رختخوابش را مرتب کند، اما به جای این کار، سرگرم تماشای تلویزیون شد.





شب که شد، خرس کوچولویش نقشه‌ای کشید.
خرسی تصمیم گرفت به خوابش بیاید و کارهای درست را
به او نشان دهد.
آنها وارد پادشاهی شیرینی‌ها شدند.
ملیسا تا به حال این همه خوراکی شیرین ندیده بود!
ابرها پشمکی بودند، کلوچه‌ها بال داشتند و در آسمان پرواز
می‌کردند، علف‌ها آب‌نباتی بودند، جوی‌ها شکلاتی بودند و
کوه‌ها از بستنی توت‌فرنگی بودند!